

رویداد

تجلیل تصویری‌ها از اکبر عالمی ترس مقدس اجرا

● **شرق:** هوشنگ کلمکائی، کیتی خامنه و ابراهیم حقیقی در حالی از اکبر عالمی گفتند که او در این مراسم از ترس مقدسی نام برد که برای قرارگرفتن جلو دوربین داشت. در این مراسم که در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان برگزار شد، «سیف‌الله صمدیان»، دبیر جشن تصویر سال خطاب به او گفت: اکبر عالمی عزیز همیشه اهالی تصویر، حضور زیبا، خلاق و تأثیرگذار شما از اولین شماره مجله تصویر تا دوازدهمین جشن تصویر سال در ۲۲ سال گذشته باعث دلگرمی وصف‌ناپذیری برای ما شد که هشتم‌اسفند۹۳ پایان آن نیست، بلکه آغاز دوباره راهی است که در هیچ تقویمی گم نخواهد شد. «اکبر عالمی» در این مراسم گفت: من ۷۰سالم است و می‌گویم این زندگی به خواب می‌ماند، تمام جوهره حرف‌های ابراهیم حقیقی این بود که وقت الماس نیست، کوه البرز را به ما دهند هم دیروز برنمی‌گردد. او خطاب به من گفت توانستم‌ام دوره جوانی‌ام را مدیریت کنم. وقتی برنامه هنرهفتم به من پیشنهاد شد، فکر می‌کردم تلویزیون چه قدرت حیرت‌آوری دارد. با ترس مقدس برنامه‌ها را اجرا می‌کردم و می‌گفتم تو میزبانی و میزبان مدام نباید دست در سفره دراز کند. برایان ترسی می‌گفت وقتی وسط حرف کسی بیری انگار به او پشت پا زدی، اما من سعی می‌کردم تبادل داشته باشم.

او از ترس‌هایی که برای اجرای برنامه‌های خود داشت هم گفت: اولین ترسم از استادانم یعنی هوشنگ کاووسی و خسرو سینیایی بود که نکند چیزی را اشتباه بگویم و آنها بگویند غلط است. دومین ترسم از دانشجویانم بود. در کلاس درس شما فقط درس نمی‌دهی، بلکه چیزهایی هم می‌گیری. ترس سومم هم از مردمی بود که مالیات می‌دهند که یک مجری تلویزیونی جلو آینه جلوه‌گری کند. او با بیان اینکه من با این ترس مقدس زندگی کرده‌ام، افزود: «با همان ترس مقدس در کلاس درس و تلویزیون حاضر شدم. ولی همین امروز در رادیو می‌شنیدم که مجری گفت «راستی‌تش». آیا این زبان سعدی، حافظ و مولاناست؟ شما با این زبان دارید به فرزندان ما فارسی یاد می‌دهید؟ ما بچه‌های خود را در خانه می‌گذاریم و می‌رویم. این چه فارسی است که شما یاد آنها می‌دهید.»



علیرضا امیرحاجبی

در زمینه تبدیل پخش زنده برنامه‌های تلویزیونی به تولیدی، نمی‌توان به‌سرعت نتیجه‌گیری کرد که آیا این اقدام مثبت است یا منفی بهتر است. دو پارامتر (متغیر) در چنین اقدامی مدنظر قرار گیرد:اول اینکه برنامه در چه حوزه‌ای قرار دارد؟ سیاسی، اجتماعی، ورزشی، فرهنگی

بهناز شیربانی: آنتن سیما، زنده می‌ماند؟ این سوالی است که زمزمه‌اش از بدو پا گذاشتن محمد سرفراز به ساختمان شیشه‌ای جام‌جم شنیده می‌شود. هرچند هنوز طرح کاهش برنامه‌های زنده و افزایش برنامه‌های تولیدی به مدیران شبکه‌های مختلف رسما ابلاغ نشده است؛ با این حال قرائن و شواهد حکایت از آن دارد که آنتن سیما به‌زودی با پخش عده‌های از برنامه‌های زنده خداحافظی خواهد کرد.

زنده یا مرده؟

برنامه‌های زنده تلویزیون اساسا جزو پرمخاطب‌ترین برنامه‌ها نزد تماشاگران در سراسر دنیا هستند. بدون‌شک این اتفاق در رسانه ملی ما نیز به‌دفعات در مورد برنامه‌های خاصی رخ داده است؛ برنامه‌هایی که بیشتر براساس گفت‌وگو محوربودنشان گاه سبب‌ساز جریان‌های بسیاری بوده‌اند. این‌روزها اخباری غیررسمی از رویکرد جدید رسانه ملی مبنی بر تولیدی‌شدن برنامه‌های زنده شنیده می‌شود؛ اتفاقی که به‌محض تغییرات مدیریتی صداوسیما آغاز شد و به‌مرور اجرایی‌شدن این رویکرد قوت می‌گیرد. به نظر می‌رسد جرقه‌های ابتدایی این اتفاق ماه‌ها پیش با برنامه «۹۰» زده شد؛ زمانی که شایعه‌ای مبنی بر تولیدی‌شدن این برنامه پرمخاطب به گوش رسید و به نظر می‌رسید تولیدی‌شدن این برنامه می‌تواند بسیاری از حواشی را به حداقل برساند تا کنترل و نظارت بیشتری روی آن صورت گیرد. مدتی قبل نیز از تولیدی‌شدن برنامه تلویزیونی «هفت» صحبت شد؛ برنامه‌ای که چندسالی است محل بحث خوبی برای اهالی سینماست و جدا از کیفیت برنامه، لزوم وجود برنامه‌ای که در مورد سینما و حواشی‌اش صحبت کند ضروری است. «هفت» هرچند همچنان زنده روی آنتن می‌رود اما خبرهای تایید‌نشده حکایت از آن دارد که برنامه «هفت» هم قرار است در قالب تولیدی روی آنتن برود. از سوی دیگر چندهفته‌ای است که برنامه «بعضیا»، با تهیه‌کنندگی و اجرای علی ضیاء نیز روی آنتن نمی‌رود. دلیل عدم پخش

الخیر فی ماقع

یا هنری است؟ پرسش مذکور به این جهت مطرح می‌شود که رده سنی، تحصیلی و اجتماعی گروه‌های هدف مشخص‌تر می‌شود و برمبنای این رده‌بندی می‌توان به تصمیم‌گیری پرداخت. نکته دیگر اینکه سطوح کیفی برنامه زنده موردنظر سنجیده شود تا بر مبنای آن بتوان تعداد مخاطبان فیدبک‌ها را اندازه‌گیری و تحلیل کرد. البته این امکان وجود دارد که بسیاری از برنامه‌ها به دلیل محدودیت‌های مالی یک نهاد رسانه‌ای به شکل تولیدی ارایه شود که این خود در بسیاری از موارد دلیل موجهی برای این تغییر است. بسیاری از برنامه‌های زنده تلویزیونی که به‌طور داغ روی آنتن می‌روند، به اشکال مختلف از روش‌های interactive



علیرضا امیرحاجبی

تلویزیون در آستانه یک «ساماندهی» جدید

سیما «زنده» می‌ماند

این برنامه هنوز مشخص نیست. «بعضیا» در مدت کوتاه حضورش در شبکه سه سیما به‌سرعت جایش را میان مخاطباننش باز کرد و نشان داد لزوم وجود برنامه‌ای گفت‌وگو محور در ساعات پر بیننده تلویزیون

هنوز هم می‌تواند بسیاری را با خود همراه کند. دلیل متوقف‌شدن این برنامه تلویزیونی هنوز مشخص نیست؛ اینکه آیا باید توقف برنامه را دلیلی بر رویکرد جدید تلویزیون و سیاستگذاری آن دانست یا دلایل دیگری دارد؟ ایسنا، چندی پیش خبر از احتمال تولیدی‌شدن برنامه‌هایی چون «سیمای خانواده» و «صبح به‌خیر ایران» که سال‌هاست زنده روی آنتن می‌روند، داده بود. همچنین از برنامه‌های «فتیله»، «فیروزه»، «مصیر»، «این شب‌ها» و... به‌عنوان دیگر برنامه‌هایی که در آینده

میان‌کنشی بهره می‌گیرند به این معنی که ارتباطی مستقیم بین برنامه و مخاطبان ایجاد می‌شود. نظرسنجی‌ها و ارایه چارت‌ها و گراف‌های نتایج نظرسنجی، یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین بخش‌های یک برنامه زنده است که مخاطب را تا پایان برنامه مقابل تلویزیون نگه می‌دارد. در این زمینه نمی‌توانم از الگوهای برنامه‌های زنده تلویزیون‌های اروپا و آمریکا نمونه آورد زیرا رسانه ملی ما کاملا (به‌لحاظ ساختارهای نرم و سخت) بومی شده است. راحل این ماجرا را باید در خود رسانه ملی جست‌وجو کرد. گمان نمی‌کنم که این تغییر گسترده باشد. در مجموع به تصمیمات مدیریت جدید رسانه ملی خوشبین هستم.

می‌کردم. اعتقاد داشت برنامه‌های تولیدی از کیفیت بهتری برخوردارند و احتمال اینکه با چنین رویکردی، سیاست‌های تلویزیون به این سمت حرکت کند. وجود دارد.» تهیه‌کننده برنامه «وینامین۳» اضافه می‌کند: «هرچند معتقدم قطعا برخی از برنامه‌های زنده باید تولیدی روی آنتن بروند و اساسا ماهیت برخی برنامه‌ها با تولیدی‌بودن هماهنگ نیست، مثلا به هیچ‌وجه نمی‌توان برنامه سال تحویل را تولیدی تهیه کرد و اگر برنامه‌ها درست و براساس اهدافشان انتخاب شوند و برخی از برنامه‌های زنده تلویزیون به تولیدی تبدیل شود، اتفاق بدی نیست.»

روح برنامه به زنده بودنش است

محمد صوفی تهیه‌کننده برنامه «رادیو هفت» معتقد است هر برنامه‌ای را نمی‌توان در قالب تولیدی روی آنتن برد. در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «روح برنامه به زنده‌بودنش است؛ اینکه مخاطب در لحظه به اتفاقات برنامه واکنش نشان دهد، اتفاقاتی مثل نظرسنجی، تماس تلفنی و... که بازخوردهای مردم را خیلی زود در برنامه منعکس می‌کند. اما معتقدم در حال حاضر برنامه‌هایی در تلویزیون وجود دارد که اگر به‌صورت تولیدی تهیه شوند، به کیفیت خود برنامه کمک خواهد کرد.» نکته‌ای که محمد صوفی در صحبت‌هایش به آن اشاره می‌کند، بسیار مهم است؛ اینکه بسیاری از برنامه‌های زنده تلویزیون با مخاطبش ارتباط نزدیکی دارد و قطعا کارکردش همراهی با مخاطب است. اگر سیاست تازه تلویزیون بر این مبنا باشد که بخش زیادی از آثار زنده به تولیدی تبدیل شود، قطعا برترش مخاطب بسیاری خواهیم داشت. از سوی دیگر به نظر نمی‌رسد این تصمیم در جهت صرفه‌جویی در هزینه‌های تلویزیون هم باشد چراکه هزینه‌های ساخت برنامه‌های تولیدی به‌مراتب بیشتر از برنامه‌های زنده خواهد بود و تمامی بخش‌هایی که در برنامه زنده روی آنتن خواهد رفت، در برنامه تولیدی باید از قبل ضبط و آماده شود که قطعا هزینه بیشتری را طلب می‌کند.

حافظ ناظری در جمع خبرنگاران

به خودمان نتازیم

می‌کند این کارها یا برای عشق است یا تنفر.» او در مورد آماده‌شدن اثر تصویری آلبوم «بعد یازدهم» اظهار کرد: «سال قبل ۲۲ دقیقه از آلبوم در ایران منتشر شد که مورد استقبال قرار گرفت. پس از آن، جایزه «گرمی» پیش آمد و خیلی منتظر بودیم اتفاقی در این مراسم بیفتد، اما نیفتاد. در کنار اثر صوتی، در این چهارسال که مشغول تولید و ضبط بودیم، فیلم‌هایی هم آماده کردیم که الان در قالب تصویر آماده شده است و صدراالدین حسین‌خانی از شرکت ایران‌گام، برای انتشار آن در ایران پیشقدم شد.» او به یکی از خبرنگاران در مورد تمایل زیادش برای استفاده از عناوینی همچون «اولین‌بار»، «اثر شماره‌یک موسیقی کلاسیک جهان» و... چنین پاسخ داد: «شرکت‌های بزرگ تنها به جنبه هنری نگاه نمی‌کنند، بلکه جنبه فروش را هم در نظر می‌گیرند. خوشبختانه کار من در شاخه کلاسیک سونی منتشر شد چون در این زمینه، اولویت با ارایه با موسیقی است و فکر می‌کنم همین تاییدی بر موسیقی‌ام است. عناوینی مانند اولین‌بار را شما در رسانه‌ها بزرگ کردید. من فقط به عنوان یک هنرمند، بیوگرافی‌ای از خودم ارایه کردم و در رسانه‌ها روی این موضوع تاکید زیادی شد.»

او ادامه داد: «وقتی کنگره آمریکا از من تقدیر می‌کند؛ یعنی ما با نام ایران عزیز مواجه هستیم. نباید نسبت به حرف‌هایی که از سوی من زده می‌شود، حساسیت به خرج داد. من می‌دانم خیلی از دوستان سعی کردند جهانی باشند، اما چون نتوانستند، حالا آمده‌اند و به جای حمایت، من را نقد می‌کنند. هدف من در این ماجرا‌ها حفظ نام ایران بوده است. من قصد شهرت ندارم، اگر دنبال چنین چیزی بودم، در لس آنجلس پیشنهاداتی به من شد که میلیون‌هالار می‌توانست درآمد مالی برایم ایجاد کند اما من توجهی به آنها نداشتم.»

ناظری در بخش پایانی نشست نیز درباره جایزه گرمی گفت: «اثر من در بین نامزدهای جوایز گرمی بالاترین تعداد رای‌ها را داشت. حتی فکر می‌کردم این جایزه را می‌برم اما نشد. بیش از ۲۰ نفر از کسانی که در جوایز گرمی موفق شدند، به من پیام دادند چرا کارم در فهرست نهایی نیست. من اسنادی دارم که فعلا نمی‌توانم آنها را نشان دهم و شاید بعد از پنج، شش‌سال آنها را نشان دهم. اثر من رای بالایی داشت اما در مرحله نهایی، یک نفر از اعضای هیات‌زوری به من رای نداد.»

زیر آسمان فیروزه ای

بخشی از یک گفت‌وگوی منتشرنشده علیرضا خورشیدفر

ارکستر سمفونیک مدال افتخاریک کشور



● ارکستر سمفونیک تهران سرگذشت

پرفرازونشیبی دارد.

در سال‌های پس از انقلاب و سال‌های جنگ با چنگ و دندان حفظ شد. اتفاقاتی که

برای ارکستر افتاد، جایی ثبت نشده است. اما خوب است که حالا تحقیق کنید و ببینید ارکستر چگونه پا برجا ماند، کجا برنامه اجرا کرد، چقدر تغییر کرد. در سال‌هایی که وضعیت اقتصادی سخت‌تر از امروز بود، با وجودی که برای بیشتر ما امکان رفتن از ایران و کارگرفتن در اروپا وجود داشت اما ارکستر ایستاد و تحمل کرد. روزی که همه ما مقاومت کردیم و انعطاف داشتیم، هدف یک چیز بود. آن‌هم اینکه چراغ موسیقی کلاسیک و ارکسترسمفونیک در ایران خاموش نشود. بعد از آن دوره سختی، شرایط بهتر شد. هنرستان‌ها راه افتادند. کم چیزی نیست که امروز ساختمان‌های به اسم هنرستان دختران داریم. موسیقی به‌تدریج رونق گرفت. تا سال ۷۴ و ۷۵مخاطبان موسیقی کلاسیک عده مشخص و محدودی بودند. کنسرت‌به‌کنسرت به تالار می‌آمدند. در صف بلیت با هم آشنا شده بودند. فوشش می‌شد یک جمعیت پنج‌هزارنفری. امروز در تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و... ارکستر سمفونیک راه افتاده است. سال‌شصت‌وپنچد که من به هنرستان پسران رفتم تا کنترباس درس بدهم هیچ جوانی در سراسر مملکت این ساز را نمی‌زد. امروز ۳۰۰۴۰نفر شاگرد من هستند. چندتایشان که بسیارحرفه‌ای هستند. چندتا از شاگردانم اینجا و آنجا درس می‌دهند. از بین شاگردان من یکی تخصصی در سبک جز کار می‌کند. یکی با گروه‌های پاپ می‌زند. ما اکنون پنج، شش نفر زن نوازنده کنترباس فوق‌العاده داریم. این مختص کنترباس نیست. با کمترین امکانات، بدون نت، بدون ساز و... تلاش کردیم و ثمره‌اش را دیدیم. آن‌وقت حالا نوازنده است، رهبر هست و تماشاجی مشتاق بیشتر از هرجای دیگری در این منطقه جهان هست، واقعا هنر کردیم که ارکستر شده. هزار دلیل دارد. یکی این است که توقعات ما از همه‌چیز کوتاه‌مدت و خیلی مادی است. فکر می‌کنیم برای چی باید نوازنده استخدام رسمی دولت شود؟ ماهانه حقوق بگیرد که هرروز تمرین کند؟ آخرش سالی چندشب کنسرت کلاسیک بدهد؟ همین؟ واقعا برای بعضی از مدیران فرهنگی این سوال است. سوال که اشکالی ندارد. اما این سوال جواب دارد. متأسفانه بعضی می‌گویند به‌جای احیای ارکستر سمفونیک من با موبایلم یک‌شبه دوتا ارکستر سمفونیک راه می‌اندازم و شما هرچه هم خواستید می‌زنند. فوشش اگر لازم شد هم با همین موبایل زنگ می‌زنم ارمنستان و ارکستر آنها را می‌آوریم. برای روز عزا موسیقی عزا بزند و برای عروسی، موسیقی شاد. اگر نخواستید با سبیتی‌سایز صدای همه ساز‌ها را تقلید می‌کنیم. ۴۰۰۳۰نفر هم ادای ویولن‌زدن در دربیاروند. اما جواب این نیست، این کار ظاهربینی است و ظاهربینی در اداره موسیقی یک‌کشور خیلی ناجور است. ارکستر سمفونیک فقط یک‌گروه صدنفره نوازنده نیست، بلکه یک دیسپلین و یک نظام است. مثلا جای نوازنده در ارکستر سمفونیک هر دوسال‌یک‌بار با امتحان ژوری و دقیقا براساس توانایی نوازنده تعیین می‌شود. غیر از این اشتباه است. در ارکستر خودمان، یک‌بار آخری‌ها یک نظری غیر از نظر ژوری را اعمال کردند. آن نوازنده که براساس رابطه جلو آمد اگر ارکستر سمفونیک بود تا آخر عمرش شرمند می‌شد. چون ارکستر می‌دانست جایش اینجا نیست، اما در ارکستری که تلفنی و روز آخری باشد به‌جز توانایی و مهارت و گروه‌ناوای و دیسپلین معیارهای دیگری هم اثرگذار می‌شود. مثلا یکی می‌گوید من فقط با فلانی کار می‌کنم و... من شنیده‌ام ارکستر سمفونیک کشورهای آمریکای جنوبی برای مسوولان کشورمان که میهمان‌نشان بودند برنامه اجرا کرده‌اند و این برنامه سنگین و فاخر خیلی موردتوجه قرار گرفته. مسوولان عالی ما پرسیده‌اند ما در ایران امکان چنین برنامه‌ای را داریم؟ برای کنسرت رفتم قطر، آنها یک ارکستر سمفونیکی دارند که یک‌نفر در آن عربی بلد نیست، نوازنده خارجی عیبی ندارد. ماهم قبل از انقلاب ۱۰، ۱۲نوازنده از اروپای شرقی داشتیم. بدنه ارکستر هرجایی باید متعلق به همان مملکت باشد. وقتی یک‌نفر افتخاری کسب کرد، یا اصلا ثروتمند است و می‌خواهد نشان بدهد یک نشان یا مدال به سینه می‌زند. ارکسترسمفونیک تهران با قدمت و کیفیت و پشتوانه‌اش برای کشور ما یک مدال افتخار است، می‌توان به آن فخر فروخت. عاقلانه است آن را به سینه نزنیم؟

● **امروز یکشنبه ساعت ۱۰ در تالار رودکی یادمانی برای خورشیدفر برگزار می‌شود.**